*مطالعات تاریخ اسلام*
*سال ششم/ شمارهٔ ۲۲/ پاییز ۱۳۹۳*

# سیرهٔ بنی‌هلال: پیدایش، نوع و تکامل آن

یونس فرهمند[۱]
عبدالله ناصری طاهری[۲]
انسیه باقری[۳]

**چکیده:** این مقاله به بررسی سیرهٔ بنی‌هلال می‌پردازد و به دنبال این پرسش است تا چگونگی پیدایش این سیره، نوع و شیوهٔ نگارش آن و روند گسترش آن را بیان کند. این پژوهش نشان می‌دهد که این سیره پس از مهاجرت این قبیلهٔ عربی از جزیرةالعرب به دو صورت شفاهی و مکتوب، ابتدا در میان خود هلالیان و سپس در مناطق مختلف جهان اسلام به ویژه در مصر و مغرب رواج یافته بود، اما نگارش شرح احوال بنی‌هلال و ذکر وقایع و سرگذشت آن‌ها از نجد تا مغرب نخستین بار در سدهٔ ششم در مغرب آغاز شد. شمار کمی از این سیره‌ها نیز حد فاصل سده‌های هشتم تا یازدهم هجری به نگارش در آمدند، با وجود این، بیش‌ترین آن‌ها در سده‌های دوازده و سیزده هجری قمری به استناد روایات شفاهی و با نام راویان آن مکتوب شدند. ویژگی اصلی این سیره‌ها که در زمرهٔ سیره گروهی به شمار می‌روند و ریشه در واقعیت تاریخی نظام قبیله‌ای دارند، داستانی بودن آن‌هاست که در قالب نثر، شعر و آواز، ثبت و ضبط شده‌اند. مهم‌ترین دستاوردی که از این پژوهش حاصل می‌شود این است که موضوعات سیرهٔ هلالیان به سه بخش تقسیم شده است: نخست بیان تولد قهرمانان اصلی و بیان سرگذشت جوانمردان آنان؛ دیگر سفر قهرمانان سیره از حجاز به تونس؛ و سرانجام بیان سرگذشت آنان در مغرب.

**واژه‌های کلیدی:** سیره، بنی‌هلال، ذیاب، جازیه

---

۱ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران: گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی noorfarahmand@yahoo.com
۲ استادیار دانشگاه الزهراء(س) naseri_na@yahoo.com
۳ دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی baqeri_ensiye@yahoo.com
تاریخ دریافت:۹۲/۰۵/۲۶ تاریخ تأیید:۹۲/۰۸/۱۸

# Banu Hilal's Sirah: Creation, Kind and its Gradual

Uones Farahmand[1]
Abddullah Naseri Taheri[2]
Ensiyeh Baqeri[3]

**Abstract:** This paper is studying the Banu Hilal Sirahs, and explains how they emerged, what kinds there were and introduces the process of their expansim. Also it shows that these Sirahs had been current in two styles as oral and in writing among the Hilalid's in different parts of the Islamic world especially in Egypt and the Maghrib. The first writings of Banu Hilal's biography and explanation of events and adventures from Najd to Maghrib had been started in the 6 century AH. A few numbers of these Sirahs had been written between 8 until 11 centuries AH, but most of them belong to 12 and 13 centuries AH, according to the names of their narrators. The main characteristic of these Sirahs is their narrative form, as Collective biographies, they are recorded in both prose and poetry. The main result of this research is that the subjects of Banu Hilal's Sirahs are divided in three sections: The first, introduces the main Heroes, their lives and adventures, second is the explanation about their immigrations from Najd to Tunisia, and finally the description of their adventures in Maghrib.

**Keywords:** Sirah, Banu Hilâl, Dhiyâb, Jâziyah

1 Assistant Professor,of Islamic Azad University, Science and Branch of Teheran noorfarahmand@yahoo.com
2 Assistant Professor, Department of History and Civilization of Islamic Nations Al-Zahra University naseri_na@yahoo.com
3 Ph.D of History and Civilization of Islamic Nations baqeri_ensiye@yahoo.com

## بیان مسئله

سیره‌نویسی در تاریخ اسلام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و سیره‌نگاری پیامبر(ص) در شمار نخستین منابع تاریخ اسلام محسوب می‌شود. سیره در لغت به معنی راه و سفرکردن یا حرکت کردن است،[۱] اما در معنای اصطلاحی به زندگی‌نامه، رفتار، سلوک و ذکر رخدادهای زندگی یک انسان یا گروهی از آن‌ها اطلاق می‌شود.[۲] اگر چه اطلاق خاص سیره در صدر اسلام ناظر به زندگی نوشته‌های پیامبر(ص) بود و افرادی چون ابن‌اسحاق و ابن‌هشام پیشگام نگارش این گونه آثار بودند، اما سیره‌های دیگری مانند سیره عنترةبن‌شداد[۳]، سیره الظاهر بیبَرس (حاکم مصر)،[۴] سیره حمزه –عموی پیامبر– پهلوان، سیره ذات الهمَّة، ملکه زن قهرمان و جنگ‌هایش بر علیه بیزانسیان،[۵] سیره سیف‌بن‌ذی‌یزن[۶] (حاکم حمیریِ یمن در دوره ساسانی) و.. در دورهٔ اسلامی نوشته شده‌اند که هر یک از آن‌ها در تحلیل سیره‌نویسی در جهان اسلام از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. در این میان سیره نویسی به ویژه سیره نویسی بنی‌هلال در بین نوشته‌های عربی حائز اهمیت بسیار است. این نوشته‌ها با عناوین مختلف،[۷] بیان کنندهٔ شرح حال بنی‌هلال و به ویژه قهرمانان سیره مانند سَرحان، رَزَق، غانم و ابو زید هلالی است که از زیباترین نوشته‌های عامیانه زبان عربی به شمار می‌رود.

این مقاله به دنبال این مسئله است تا نوع و چگونگی پیدایش این سیره و تکامل آن را در طول تاریخ نشان دهد. تحقیقاتی دربارهٔ این موضوع به صورت پراکنده و در قالب کتاب‌هایی که تاریخ این قبیله را بررسی می‌کنند، وجود دارد،[۸] اما مهم‌ترین اثر در باره این موضوع، مقاله

---

۱ طاهر احمد الزواوی(۱۹۷۹)، *ترتیب القاموس المحیط علی طریقه المصباح المنیر و اساس البلاغه*، ج۲، بیروت: دارالمعرفة، ص ۶۵۶؛ الطریحی، *مجمع البحرین*، ج ۳، تهران: مرتضوی، ص۳۴۰.
Levi Della Vida. G, “Sira” EI1, 439. Leiden: Brill, p.p1913-24.

۲ سیره عنترةبن‌شداد نمونه ای از داستان های جوانمردی عربی است که حدود پانصد سال در تاریخ عرب باقی مانده و حاوی سنت‌های پیشین اعراب است
Heller. B, “ The Romance of ‘Antar”, EI2, I, 518 .

۴ سیرهٔ عربی مفصلی است که داستان زندگی ملک بیبرس(۱۲۶۰-۱۲۷۷م) را در بردارد. مردم و وقایع این سیره تاریخی هستند اما به طور کلی این سیره در جزئیات ساختگی و افسانه است(Paret. R,” Sirat Baybarse”, EI1, I, 1126).
Canard. M, “ Dhu l’ Himma or Dhat al Himma”, EI2, II, 232.
Paret. R, “Saif b. Dhi Yazan” EI1, 71-3.

۷ به عنوان نمونه «الزیارة البهیة و ما جری لأمیر ابن‌زید و العرب الهلالیة» و « السبع تخوت و سلطنة دیاب و أبی زید و تملک الاربعهٔ عشرة خلیفه من بعد قتله الزناتی خلیفة و هی أحسن سیرهٔ لبنی هلال». ابو عبدالرحمن‌بن‌عقیل الظاهری و عبد الحلیم عویس، *بنوهلال اصحاب التغریبهٔ فی التاریخ و الادب*، ص۱۳۹.

۸ برخی از آن‌ها عبارتند از: ابو عبدالرحمن‌بن‌عقیل الظاهری و عبد الحلیم عویس، *بنوهلال اصحاب التغریبهٔ فی التاریخ و الادب*؛ محمد عبدالرحیم، *سیرهٔ بنی‌هلال*؛ عبدالحمید یونس، "سیرهٔ بنی‌هلال او قصه ابی‌زید الهلالی"،
Dwight F. Reynolds,” Sirat Bani Hilal Intrroduction and Notes to an Arab Oral Epic Tradition”.

رینولد وایت با عنوان معرفی سیره و توجه به سنت شفاهی عربی است. این مقاله اگر چه حاوی مطالب ارزشمندی از سیره‌های مکتوب بنی‌هلال است و نوع و گونه این سیره‌ها را معرفی می‌کند، اما دسته‌بندی مشخصی از دوره‌های کتابت سیره ارایه نمی‌دهد. تلاش نگارندگان این مقاله بر این است تا چگونگی پیدایش سیره بنی‌هلال را از ابتدا بررسی کنند و به نوع این سیره و روند تکاملی آن بپردازند.

## قبایل بنی هلال

بنی‌هلال از جمله اعراب عدنانی هستند[۱] که به هلال‌بن‌عامربن صعصعه بن‌معاویه‌بن‌بکربن‌هوازن‌بن‌منصوربن‌نزاربن معدبن‌عدنان نسب می‌برند.[۲] سکونتگاه اولیهٔ این طائفه در سرزمین حجاز و نجد، در اطراف مکه بوده است؛[۳] چنان که بنی‌عامربن‌صعصعه در نجد و بنی هلال‌بن‌عامر در حوالی طائف و کوه غَزوان ساکن بودند.[۴]

بطون بنی‌هلال از آغاز بادیه نشین بودند و به دامداری، پرورش اسب و کشاورزی اشتغال داشتند. آنان همواره به صورت گروهی در میان حجاز و نجد در کوچ بودند و چه بسا در کوچ‌های تابستانی و زمستانی خود و در پی خشکسالی های آن‌جا برای جستجوی چراگاه‌های مناسب و امرار معاش قبیلهٔ خود تا حوالی عراق و شام نیز می‌رفتند و به کشتار و تاراج کاروان‌ها دست می‌زدند.[۵] آن‌ها با ظهور اسلام به دین جدید گرویدند[۶] و به ویژه در منازعات سیاسی- مذهبی علیه حکومت‌های امویان و عباسیان چون قیام عبدالله‌بن‌زبیر در دورهٔ اموی و جنبش قرامطه در عهد عباسی شرکت داشتند.[۷] آن‌ها پس از شکست قرامطه به دست خلیفه العزیز

---

۱ ابن خلدون(۱۹۸۸م-۱۴۰۸ق)، *العبر و دیوان المبتدأ و الخبر فی تاریخ العرب و البربر و من عاصرهم من ذوی الشأن الأکبر*، تحقیق خلیل شحادة، ج۶، بیروت: دارالفکر، طبع الثانی، ۱۸.

۲ ابن‌حزم(۱۴۰۳ق)، *جمهرة انساب العرب*، بیروت: دارالکتب العلمیة، ص۲۷۳؛ عمر رضا کحاله(۱۴۱۴ق)، *معجم قبایل العرب*، ج۱، بیروت: الرساله، ص۴.

۳ ابن‌خلدون، العبر، ج۶، ص ۱۸.

۴ همان‌جا.

۵ همان، ص ۱۳.

۶ آنان پس از غزوه حنین و هوازن و به سبب ازدواج پیامبر با میمونه - بنت حارث‌بن‌حزن‌بن‌بحیربن‌هزم‌بن‌رویبه‌بن‌عبدالله‌بن‌هلال‌بن‌عامربن‌صعصعه- و زینب - بنت خزیمه‌بن‌حارث‌بن‌عبدالله‌بن‌عمربن‌عبد مناف‌بن‌هلال‌بن‌عامربن‌صعصعه- با پیامبر بیعت کردند و به اسلام گرویدند (ابن‌حزم، همان،ص ۲۷۹؛ ابن‌هشام[بی‌تا]، *سیرة النبویة، تحقیق مصطفی السقا، ابراهیم الأبیاری و عبدالحفیظ شلبی* ج۴، بیروت: دارالمعرفة، ص۱۰۶۱؛ ابن‌کثیردمشقی(۱۴۰۷ق)، *البدایة والنهایة*، ج۵، بیروت: دارالفکر، ص۹۲؛ *ابن‌خلدون، العبر*، ج۲، ۴۵۵؛ صالحی شامی(۱۴۱۴ق)، *سبل الهدی*، تحقیق عادل احمد و علی محمد معوض، ج۶بیروت: دارالکتب العلمیه، ص۴۲۵).

۷ طبری(۱۹۶۷ق)، *تاریخ الرسل و الملوک*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، ج۶، بیروت: [بی‌نا]، ص ۵۳۵؛ ابن‌خلدون، همان، ج۶، ص۱۵.

فاطمی(حک:۳۶۵-۳۸۶ق) به مصر تبعید شدند و سپس خلیفه المستنصربالله فاطمی(حک:۴۲۷-۴۸۷ق) به پیشنهاد وزیرش ابومحمدحسن‌بن‌علی‌یازوری(وزارت:۴۴۲-۴۵۰ق)، با هدف تادیب زیریان سرکش که از سلطه آنان تمرد جسته بودند و نیز رهایی از دردسرهای هلالیان در مصر، آنان را به افریقیه کوچاند.[۱] آن‌ها پس از ورود به افریقیه و مغرب و غلبه بر شهرهای مهم آن‌جا چون قابس و قیروان تقریبا حدود صد سال حکمرانی کردند. پس از آن دوران اتحاد پیروزمند آنان در هم شکسته شد و خاصه با ظهور دولت موحدون در مغرب الاقصی و سیطره آنان بر سراسر مغرب، هلالیان در برابر آنان تاب مقاومت نیاورده و به اطاعت آن‌ها درآمدند.[۲]

## پیدایش سیرهٔ بنی هلال

سیره بنی‌هلال در چارچوب تاریخی مهاجرت و تهاجم‌های آنان از حجاز تا مغرب پدید آمده و با تحولات سیاسی، اجتماعی و تاریخی این قبیله عجین شده است؛ چه، این سیره‌ها مهاجرت گسترده هلالیان از سرزمینشان در شبه جزیره عربستان به مصر و پیشروی آنان در شمال آفریقا و شکست‌های آنان چون پیوستن به قرامطه و کوچاندن آنان از صعید مصر به مغرب در سده‌های چهارم تا ششم هجری را روایت می‌کند.

داستان‌ها و روایات شرح احوال این قبیله، نخستین بار در میان مردم هلالی بصورت شفاهی بیان می‌شد و هلالیان سرگذشت اجداد و مهاجرت‌های آن‌ها را برای فرزندان خود بازگو می‌کردند. به تدریج حکایت این سیره به میان مردم قبایل دیگر راه یافت و از سدهٔ هفتم هجری به بعد در مناطق وسیعی از جهان اسلام از جمله مراکش در سواحل اقیانوس اطلس تا عمان در ساحل اقیانوس هند همچنین آفریقای مداری تا نیجریه، چاد و سودان به کتابت درآمد[۳] و حتی شاعران حماسه سرای مصری نسخه‌های مشهوری از این مکتوب‌های سیره را شب‌ها با کمک آلات موسیقی چون رباب و تار می‌سراییدند.[۴] این سیره در مناطق روستایی بیشتر از مراکز شهری جهان اسلام مشهور و شناخته شده بود و به صورت نثر، شعر و آواز بیان می‌شد.[۵] با وجود این محیطی نیز که خاستگاه این داستان‌ها بوده موجد روایت‌های مختلفی از سیره

---

۱ نک. ابن‌خلدون همان، ج۶، صص۱۷-۲۱؛ ابن‌اثیر(۱۳۷۱)، *تاریخ بزرگ اسلام و ایران*، ترجمهٔ ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، ج۲۲، تهران: موسسه مطبوعاتی علمی، صص۲۷۰-۲۷۴.

۲ نک. ابن‌خلدون، همان، ج۶، ص ۳۱۶.

3 Dwight F. Reynolds," Sirat Bani Hilal Intrroduction and Notes to an Arab Oral Epic Tradition", Oral Epic tradition, 4/1-2(1989), 80.

4 Dwight F. Reynolds, 81.

5 Dwight F. Reynolds, 81.

بنی‌هلال شده که از آن جمله می‌توان به روایات بومی و قومی-محلی نجد، الجزائر و تونس اشاره کرد.[۱] از این رو ذکر سیرهٔ بنی‌هلال به دو گونه روایات شفاهی و مکتوب در میان مردم رواج داشت. علاوه بر این می‌توان سیرهٔ هلالیان را صرف نظر از گستره عظیم در قلمروی اسلامی، بهترین نمونه و سند روایات شفاهی عامیانه عربی و میراث ادبیات عصر جاهلیت شبه جزیره دانست که این اعراب آن را حفظ کردند و در مناطق دیگر گسترانیدند.

## نوع و گونه سیرهٔ بنی‌هلال

سیرهٔ بنی‌هلال مجموعه‌ای است از افسانه‌های پیچیده و درهم و تنش میان شخصیت‌های اصلی داستان. مهم‌ترین حلقه این سیره که از آن با نام «التغریبه»،[۲] به معنی به سمت غرب رفتن و غربی شدن، یا «الریادهٔ»، یعنی جستجوی چراگاه، یاد شده است، به انتقال دسته جمعی بنی‌هلال به غرب اختصاص دارد.[۳] از این رو این سیره سیره ای اجتماعی و گروهی است که شروع و شکل گیری تاریخ جامعه هلالی را نشان می‌دهد[۴] و با دیگر سیره‌های عربی چون سیره ملک بیبرس، سیره حمزه و.. که یک شخصیت حماسی محور آن است، تفاوت دارد. به دیگر سخن تفاوت سیره‌های گروهی با فردی در این نکته خلاصه می‌شود که سیره‌های گروهی برخلاف سیره‌های فردی شخصیت اصلی سیره یک فرد یا قهرمان نیست، بلکه قهرمانان متعددی در سیره وجود دارند. در طول مهاجرت این قبیله از عربستان به مغرب قهرمانان متعددی مانند ابوزید، ذیاب، جازیه و.. معرفی می‌شوند که هر یک از آن‌ها نقش محوری خود را حفظ می‌کنند.

## رشد سیره‌نویسی بنی‌هلال

روند گسترش نگارش سیره بنی هلال را می‌توان به سه دوره تاریخی تقسیم کرد: نخستین دوره کتابت این سیره‌ها در قرون هفتم و هشتم صورت گرفته است و روایات ابن خلدون،

---

۱ ابو عبدالرحمن‌بن‌عقیل الظاهری(۱۹۸۱-۱۴۰۱ق)، *بنو هلال اصحاب التغریبة فی التاریخ و الادب، النادی الأدبی*، ریاض: انتشارات، صص ۱۴۷-۱۴۵.

۲ تغریبه بنی هلال بازگویی یک حماسه عربی از سفر بنوهلال از نجد به مصر وتونس و بیان پیروزی‌های بعدی این حماسه به زبان عامیانه و شفاهی است. قصه تغریبه بنی هلال عبارت است از مجموعه قصه‌های کوتاه که تمامی‌آنها اعم از شخصیت‌ها، حوادث و مقدمات و نتایج داستان، وحدتی را دنبال می‌کنند و قصه‌ها در وحدت موضوع، انتظام یافته‌اند. تغریبه بنی‌هلال ۱۴ داستان کوتاه و ده رخداد را که به ترتیب با موضوع اصلی قصه ارتباط دارند، بیان می‌کند (جمانه کعکی(۲۰۰۳م)، *تغریبة بنی هلال الکبری الشامیة الاصلیة*، بیروت: دارالفکر العربی، ص ۷).

۳ رحاب عکاوی، *فرائد اللال فی سیرة بنی هلال*، بیروت: دارالحرف العربی، ص۱۹.

۴ عبدالحمید یونس(۱۹۹۵م)، «سیرهٔ بنی‌هلال او قصه ابی زید الهلالی»، *مجلهٔ تراث الانسانیه*، ج۱، ص ۳۰۹.

مورخ مشهور عرب، دربارهٔ این قبیله در سدهٔ هشتم هجری، برگرفته از مکتوبات این سیره است. دوره دیگر سده‌های نهم تا یازدهم هجری قمری را در بر می‌گیرد و مرحله آخر گسترش سیره هلالی در سده‌های دوازده و سیزدهم هجری است.

نخستین شواهد سیره‌نگاری در باب بنی‌هلال به صورت یک روایت شعری عامیانه، از سدهٔ هفتم هجری و تقریباً دویست سال پس از شکست هلالیان در جنگ سطیف از عبدالمومن موحدی (۵۲۴–۵۵۸ق) و پایان یکه تازی آنان در مغرب، پدید آمد. با وجود این که از نخستین نویسندگان این سیره‌ها در آن عصر اطلاعی در دست نیست، اما نخستین اشاره جدی به نگارش تاریخ بنی‌هلال و ذکر اعلام و وقایع خاص آن‌ها را ابن‌خلدون در سدهٔ هشتم هجری انجام داده و در تاریخ و مقدمه خود از هلالیانی که از شبه جزیره به شمال آفریقا سفر کرده‌اند مانند حسن‌بن‌سَرحان، ذیاب، شُکر، خلیفه الزَّناتی و.. نام برده است.[۱] او همچنین با ذکر مشاهیر، شاعران و شعر محلی آنان، روایت سرگذشت بنی هلال به صورت منظوم را نمادی از هنر شعر محلی دانسته است.[۲] اگر چه اطلاق نام سیره به مکتوب‌های ابن‌خلدون صحیح نیست، اما حضور وی در میان برخی از قبایل هلالی، به عنوان میانجی صلح از سوی بنی‌مرین،[۳] می‌توان استنتاج کرد که دست کم او به این سیره‌ها دسترسی داشته و از آن‌ها یاد کرده است.[۴] از مضامین نقل شده از منقولات ابن‌خلدون چنین بر می‌آید که در دورهٔ وی سیره بنی‌هلال از حیث ادبی به تکامل رسیده بوده است.[۵]

در دورهٔ دوم رواج سیره بنی‌هلال، یعنی حد فاصل عصر ابن خلدون تا سدهٔ یازدهم هجری قمری، شمار کمی از این سیره‌ها مکتوب و شناخته شده بودند؛ زیرا در آن مقطع روایات سیره بیشتر به صورت شفاهی بیان می‌شد.[۶]

بیش‌ترین مکتوب‌ها دربارهٔ سیرهٔ هلالیان از سده‌های دوازده و سیزدهم هجری قمری به جای مانده است و در این زمان گزارش‌هائی از سیره بنی‌هلال به وسیله مستشرقان و مورخان گردآوری شده است که اغلب جزئیات ارزشمندی از شیوه ها و متون شفاهی و نوشتاری ارائه

---

۱ ابن‌خلدون(۱۳۷۵)، *مقدمه، ترجمهٔ محمد پروین گنابادی*، ج۲، تهران: انتشارات علمی فرهنگی، ص۱۲۴۷؛ ابن‌خلدون، *العبر*، صص ۱۷-۱۱۵.

۲ ابن‌خلدون، مقدمه، ج۲،ص ۱۲۴۷.

۳ ابن‌خلدون، العبر، ج۷، ص ۴۳۷.

۴ ابن‌خلدون، مقدمه، ج۲، ص ۱۲۴۷.

۵ عبدالحمید یونس، همان، ج۱، ص ۳۰۹.

6 Dwight F. Reynolds, p.84.

کرده اند.[۱] در یک دوره هفتاد ساله یعنی از سال ۱۱۹۹ق تا سال ۱۲۶۱ق شمار انبوهی از نسخ خطی به زبان عربی محاوره ای در این باره با الهام از روایات شفاهی تدوین شد. بخش دیگری از اشعار در باب سیرهٔ بنی‌هلال به همراه شکل منثور آن نیز پس از گذشت ششصد سال از بیان شفاهی آن، در سدهٔ سیزدهم هجری در تونس و مصر تألیف گردید. هم اکنون چندین نسخه از این سیره‌های مکتوب که نام نویسندگان و شاعران آن‌ها نیز ذکر شده است، در یک مجموعه تقریباً ۸۰۰۰ صفحه ای از شعر و نثر بنی‌هلال در کتابخانه اشتاتس برلین وجود دارد. مجموعهٔ کوچک‌تری از این نسخ هم در چندین کتابخانه اروپایی موجود است.[۲]

ادوارد لین، مستشرق و عرب‌شناس بریتانیایی سدهٔ سیزدهم هجری قمری (۱۸۱۰–۱۸۷۶م)،[۳] توصیف قوم شناسانه‌ای از سرزمین مصر ارائه کرده و بخش‌های ۲۱ تا ۲۳ کتاب خود را به روایات داستانی و اسطوره‌ای اختصاص داده است. وی در ابتدا به سیره بنی‌هلال پرداخته و خلاصهٔ شش صفحه‌ای از یک رخداد واقعی در این سیره یعنی تولد «ابو زید»[۴] یکی از قهرمانان هلالی را معرفی کرده که گفته می‌شود در میان مصریان از شهرت عام برخوردار بوده است.[۵] او معتقد است که تقریباً پنجاه شاعر معروف در مصر به طور خاص به سیره بنی‌هلال اهتمام داشته که این تعداد در مقایسه با سی شاعری که به وصف سیره ظاهر بیبرس پرداخته بودند، بیشتر است.[۶] از این گزارش توان دانست که به رغم اشتهار بیبرس به عنوان قهرمان ملی و مذهبی مصر، اما مصریان به سیره هلالیان توجه بیشتری نشان می‌دادند. اگر چه پیشینه حضور بنی‌هلال در مصر سبب آشنایی آن‌ها با این قبیله شده بود، اما به یقین اقدام‌های آنان در مقایسه با نام آوری فعالیت‌های بیبرس

---

۱ رینه باسیه(۱۸۵۵-۱۹۲۴م) به نوشته‌های عامیانه عربی توجه داشت. او نخستین کسی بود که اذهان را به سیرهٔ بنی‌هلال معطوف ساخت. ولیم آلقاردث مستشرق آلمانی (۱۸۲۸۸-۱۹۲۴م)، معجمی ده جلدی از مخطوطات عربی را در برلین فهرست کرده که نسخه‌های سیرهٔ بنی‌هلال در آن میان به چشم می‌خورد. مستشرق آلمانی مارتین هارتمان(۱۸۵۱-۱۹۱۸م) نیز در سال ۱۸۹۸م در مجلهٔ *عالم الاسلام* به طور مفصل به سیرهٔ بنی‌هلال پرداخته است. ولفرد سکاون بلنت جزئیات وقایع سیرهٔ بنی‌هلال را به انگلیسی ترجمهٔ کرده است ( نک: رحاب عکاوی(۲۰۰۵م)، *فرائد اللال فی سیرة بنی هلال*، بیروت: دارالحرف العربی، ص۲۰).

2 Dwight F. Reynolds, p.84.

۳ نام کتابش: *An account of the Manners and Customs of the Modern Egyptians* که در سال‌های ۱۸۳۳ تا ۱۸۳۵م آن را در مصر نوشته و در سال ۱۸۳۶م آن را منتشر کرده است.

۴ ابو زید هلالی در سدهٔ پنجم هجری می‌زیست. او هنگام وقوع جنگ های عرب و بربر در افریقیه، از شخصیت‌های مشهور هلالی به شمار می‌رفت. در داستان‌های سیرهٔ بنی‌هلال آمده است که او از مادری به نام خضراءالشریفه متولد شد.

5 Edward W. Lane, *An account of the Manners and Customs of the Modern Egyptians, p.p360-7*.

۶ همان، ص۳۶۰.

خاصه در جنگ‌های مکرر علیه صلیبیان ناچیز است؛ از این رو شاید بتوان توجه ویژه مصریان به سیره هلالیان را معلول وجود قهرمانان متعدد، شرح داستانی و احوال متفاوت و قصه‌های مختلفی که دربارهٔ هر یک از این اسطوره‌های هلالی مطرح شده است، دانست و این امر جذابیت و تنوع بسیاری برای مصریان به آن بخشیده بود.

کتاب‌های متعددی دربارهٔ سیره بنی هلال وجود دارد که بیش‌تر آن‌ها توسط نویسندگان معاصر گردآوری شده‌اند. با وجود این در برخی از کتب موجود نام گردآورنده آن‌ها مشخص نیست. این کتاب‌ا که با عناوین مختلف و از روی مکتوب‌های به جای مانده از سیره‌ها جمع‌آوری شده‌اند، شرح احوال بنی‌هلال را بیان می‌کند و اغلب با نام *سیرهٔ بنی‌هلال* و تغریبهٔ بنی‌هلال شناخته می‌شوند. اسامی پاره‌ای از این آثار و مؤلفان به شرح ذیل است: *سیرهٔ بنی‌هلال* اثر محمدعبدالرحیم، *تغریبهٔ بنی‌هلال الکبری* از جمانه کعکی، *فرائد اللال فی سیرهٔ بنی‌هلال* نوشته رحاب عکاوی، *سیرهٔ بنی هلال* اثر شوقی عبدالحکیم، *تغریبهٔ بنی هلال قصه ابو زید الهلالی* از جمال رشید فوزی رشید، *سیرهٔ بنی هلال تحتوی علی قصه جابر و جبیر و قصهٔ الخضرا ام ابوزید و قصه شَمّا و زهر اللبان* و *سیرهٔ بنی هلال* با گردآورندگانی ناشناس.

از بررسی کتاب‌های مذکور با یکدیگر چنین استنتاج می‌شود که فصول و روایات داستانی در برخی از این کتب مشابه و در کتابی دیگر متفاوت است. به عنوان نمونه کتاب‌های *تغریبهٔ بنی هلال* اثر جمانه کعکی و *فرائد اللال فی سیرهٔ بنی هلال* نوشته رحاب عکاوی به رغم داشتن نام‌های متفاوت، در ۲۱ فصل جمع‌آوری شده‌اند و داستان‌های مشابه از این قبیله را به صورت شعر و نثر ذکر کرده‌اند.[۱] در حالی که کتاب‌های *سیرهٔ بنی هلال* اثر محمد عبدالرحیم در ۳۰ فصل و *سیرهٔ بنی‌هلال* نوشته شوقی عبدالحکیم در ۱۹ فصل تدوین شده اند و روایت‌های دیگری از سیره این قبیله هلالی را در خود جای داده‌اند.[۲] به رغم تشابه اسمی دو کتاب اخیر، اما بیان روایت‌های آن دو با یکدیگر متفاوت است و هر یک از دو نویسنده به داستان‌های مختلفی از آن‌ها اشاره کرده‌اند که همان‌گونه که ذکر شد، نشان از روایات متعدد این سیره دارد.

### قهرمانان سیرهٔ بنی‌هلال

سیره بنی‌هلال اساساً در برگیرندهٔ رویارویی چند عنصر کلیدی مرد با یک زن است و به

---

۱ رحاب عکاوی، همان، ص۵۵۲؛ جمانه کعکی، همان، ص ۳۳۶.

۲ نک. محمد عبدالرحیم، *سیرهٔ بنی هلال*، بیروت: موسسة الکتب الثقافیة، صص۲۷۱ -۲۷۲؛ شوقی عبدالحکیم(۱۹۸۳م)، *سیره بنی هلال*، بیروت: دارالتنویر، صص ۱۴۵-۱۴۶.

نقش‌های آنان در این مواجهه می‌پردازد:

ابو زید هلالی[۱] کسی است که اغلب از وی به عنوان نخستین قهرمان سیره بنی‌هلال یاد می‌شود و محور وقایع در سیره بنی هلال است. نام پدرش رَزق و مادرش خضرا بود و سیاهی پوستش در بدو تولد، او و مادرش را در مظان اتهام قرار داد و آن‌ها به سوی بنی زحلان دشمن قبیله بنی هلال فرستاده شدند.[۲] امیر بنی زحلان دستور داد که علوم مختلف چون حیل، طب، کیمیا و.. به ابوزید آموزش داده شود و او عالم مشهور عرب از این قبیله شد.[۳] او فردی زیرک و مکار[۴] و یکی از چهار رئیس مشهور قبیله بنی‌هلال بود[۵] که با نیرنگ و سیاست، غالبا خود را به دور از منازعات و جنگ‌ها نگه می‌داشت. و شاید از این روست که نام وی در شمار جنگجویان هلالی ذکر نشده است. تعابیری که از شخصیت ابوزید بیان شده در شعرها و منطقه‌های گوناگون، متفاوت است. این خصیصه او را فردی میانه رو نشان می‌دهد و مردم نیز با وی از سر اعتدال گاه با احترام و گاه با بی‌احترامی رفتار می‌کردند. او که فردی سیاه چرده بود و برخی او را به اشتباه برده خارجی می‌پنداشتند، پنهانی به سرزمین دشمن سفر می‌کرد تا اطلاعات صحیحی از اوضاع شهرها و چگونگی ورود هلالیان از دروازه‌های شهرها کسب کند.[۶] داستان‌های ورود او به تونس با لباس مبدل زنانه یکی از روایات مهم سیره دربارهٔ ابوزید است[۷] که این داستان نزد مصریان خواهان بسیار داشت و شنوندگان مصری می‌نشستند تا به آواز شاعر حماسی گو دربارهٔ ابوزید گوش فرا دهند.[۸]

قهرمان مشهور دیگر در سیره بنی‌هلال، ذیاب[۹] رئیس قبیله زغبه، قدرتمندترین و مشهورترین جنگجوی و آخرین امید بنی‌هلال برای اتحاد و جلوگیری از سرگردانی بود. او از

---

۱ ابو زید که نامش «برکات» بود، فرزند رزق و از نسل تامربن‌جابربن‌هلال به شمار می‌رفت(نک: محمد عبدالرحیم، همان، ص۲۲؛ شوقی عبدالحکیم، *سیره بنی هلال*، ص ۶).

۲ شوقی عبدالحکیم، همان، ص ۷.

۳ همان، ص ۱۰.

۴ جمانه کعکی، همان، ص ۲۹.

۵ رؤسای هلالیان حسن‌بن‌سرحان ملقب به سلطان، دیاب‌بن‌غانم، بدیربن‌فاید و ابو زیدبن‌رزق الهلالی هستند (رحاب عکاوی، همان، ص ۱۳).

۶ شوقی عبدالحکیم، همان، ص ۱۷.

۷ او به همراه قوم خود برای آزادی یحیی، مرعی و یونس که اسیر حاکم تونس بودند، راهی آن‌جا شده بود و با حیله و با لباس زنانه از دروازه تونس عبور کرد و راه را برای ورود قوم خود به تونس هموار کرد( نک. شوقی عبدالحکیم، ۹۵).

8 Dwight F. Reynolds, p. 86.

۹ ذیاب فرزند غانم و از نسل ریاح‌بن‌جبیربن‌هلال است (نک: محمد عبدالرحیم، همان، ص ۲۲؛ شوقی عبد الحکیم، همان، ص ۶).

سوی بزرگان قوم به ریاست قبیله برگزیده شد تا آن‌ها را از آوارگی و نابودی نجات دهد.[۱] او فردی خشن و بی‌پروا بود و به رغم تندخویی در میان قبیله احترام بسیار داشت. به نظر می‌رسد کشتن خلیفه الزناتی، دشمن قبیله، سبب اصلی این احترام و تکریم بوده است.[۲]

ابو سعیدبن‌خلیفةالیفرنی موسوم به خلیفه الزناتی(د ۴۵۰ق)، وزیر و فرمانده امیر تلمسان، بختی، از فرزندان بنی یعلی از امرای دولت بنی‌خَزر بربر در شمال آفریقا و دشمن هلالیان بود که در افریقیه حکم می‌راند.[۳] شرارت و بدخویی‌هایی که از وی نقل شده است در شعرهای آن دوران متفاوت است. در مصر روایتی افسانه‌ای از سیره خلیفه زناتی نقل می‌شد که او هفتاد تن از خاندان پیامبر را در مسجدی در مکه و در حال نماز به قتل رساند و بدین‌سان سیمای شریرانه ای از وی را به نمایش می‌گذاردند. این روایت بر اساس استنادهای تاریخی کاملاً افسانه‌ای است.[۴] شاعران دیگر نیز تقریباً سیمای غم‌انگیزی از قتل وی به دست ذیاب را بیان کرده‌اند.[۵]

قهرمان دیگر سیره، سلطان حسن‌بن‌سرحان[۶] است که هنگام ورود هلالیان به افریقیه ریاست آن‌ها را به عهده داشت.[۷] او حاصل ازدواج سرحان با دختری موسوم به شَمّا است که یکی از داستان‌های سیرهٔ بنی‌هلال به شرح حال پیوند ازدواج آن دو اختصاص دارد.[۸] او در منازعه‌ها و تنش‌های میان هلالیان واسطه و میانجی‌گری بزرگ بود و رقابت‌ها و منازعه‌های رهبران قبایل را حل و فصل می‌کرد.[۹] از این رو می‌توان سلطان حسن را سیاست‌مدارتر از دیگر قهرمانان این سیره چون ابوزید و ذیاب دانست.

در سیرهٔ بنی‌هلال عاطفه و عشق بین زن و مرد خارج از ازدواج زناشویی پدید نمی‌آمد. تعبیر عشق در میان بنی‌هلال، عشق مرد به زن و وفای زن به شوهر بود و جدایی از یکدیگر به سبب کوچ و جنگ میان تیره‌ها صورت می‌گرفت،[۱۰] که مهم‌ترین نمونه آن عشق جازیه به همسرش

---

1 Dwight F. Reynolds, p.86.
2 Dwight F. Reynolds, p.86.

۳ ابن‌خلدون، *العبر*، ج۷، صص ۶۰-۶۲.

۴ بر اساس مستندات موجود در *العبر* و منصب وزارت او در دستگاه بنی‌یعلی در مغرب، حضور الزناتی در مکه و کشتار خاندان پیامبر در آن‌جا نمی‌تواند سندیت تاریخی داشته باشد (نک: ابن‌خلدون، *العبر*، ج۷، صص ۶۰-۶۲)

5 Dwight F. Reynolds, pp.86-87.

۶ حسن‌بن‌سرحان فرزند حازم‌بن‌جامون‌بن‌حازم‌بن‌جابر بود(نک. محمد عبدالرحیم، همان، ص ۲۲؛ شوقی عبد الحکیم، همان، ص ۶).

۷ نک. ابن‌خلدون، *العبر*، ج۶، ص ۲۳.

۸ نک. محمدعبدالرحیم، همان، ص ۴۴؛ شوقی عبدالحکیم، همان، ص۸.

9 Dwight F Reynolds, pp.86-87.

۱۰ رحاب عکاوی، همان، ص۳۱.

شکر بود.[۱] او نمونهٔ یک زن کامل و اغلب به عنوان زیباترین و عاقل‌ترین زن دنیا وصف می‌شود که در میان شورای شیوخ قبیله حضور داشت. او بارها در سرنوشت قبیله خود تأثیر گذار بود به طوری که برای به دست آوردن چراگاه و تسهیل امنیت عبور افراد قبیله‌اش از مناطق مختلف، تن به ازدواج می‌داد و پس از کوچ قبیله طلاق می‌گرفت و به قوم خود می‌پیوست.[۲]

## موضوعات اصلی سیرهٔ بنی‌هلال

موضوعات سیره بنی‌هلال غالباً به سه بخش اصلی تقسیم می‌شود: بخش نخست سیره به تاریخ قبیله و تولد قهرمانان اصلی و بیان سرگذشت جوانمردان آن‌ها اختصاص دارد و جنگ‌ها مبارزه‌های بنی‌هلال در هند و یمن و جنوب شبه جزیره را بیان می‌کند.[۳] سپس به خشکسالی شدید در نجد اشاره می‌شود که شورای قبیله برای حفظ و بقای ساختار قبیله‌ای، تصمیم به یافتن چراگاهی جدید گرفتند.[۴] آن‌ها برای نیل به این مقصود سرزمین‌های شام، فلسطین، مصر، لیبی و تونس را درنوردیدند.[۵]

نخستین بخش سیرهٔ با روایت بنی‌هلال، نسب و ذریهٔ آنان یعنی هلال‌بن‌عامر در دوران صدر اسلام آغاز می‌شود. در این بخش به چگونگی اسکان آنان در وادی العباس از سوی پیامبر و شهرت هلال به شجاعت و کرم اشاره شده است.[۶] سپس ازدواج هلال با زنی به نام‌های هذبا و مهاجرت آن‌ها از وادی العباس به سرزمین سرو[۷] ذکر می‌شود. هلال در آن سرزمین مجدداً با زنی به نام عذبا ازدواج می‌کند که ثمرهٔ این دو ازدواج، دو پسر به نام‌های جابر از هذبا و جبیر از عذبا است.[۸] زندگی زناشویی هلال با عذبا دیری نپایید و به طلاق منجر شد. سپس مهاجرت عذبا به اتفاق فرزندش جبیر از سرو به نجد سخن می‌رود[۹] و بدین

---

۱ شُکربن‌ابی الفتوح امیر مکه در سال ۴۳۰ق که به شریف‌بن‌هاشم معروف است. اوبا جازیه خواهر حسن‌بن‌سرحان ازدواج کرد، اما به سبب اختلافی که میان وی و حسن رخ داد، حسن به اتفاق خواهرش تصمیم به ترک مکه گرفتند. اشعاری که شکر در فراق جازیه سروده است، مشهور است (نک: ابن‌خلدون، *مقدمه*، صص۵۰-۱۲۴۷؛ جمانه کعکی، همان، ص ۲۴؛ شوقی عبدالحکیم، همان، ص۷۴).

2 Dwight F Reynolds, pp.86-877.

۳ شوقی عبدالحکیم، همان، ص ۸.

۴ نک. محمد عبدالرحیم، همان، صص ۲۱-۱۳.

۵ شوقی عبدالحکیم، همان، ص ۸.

۶ محمد عبدالرحیم، همان، ص ۷.

۷ سرزمین سرو جایی در نزدیکی اردن و فلسطین است(نک. شوقی عبدالحکیم، همان، ص ۸).

۸ همان، ص ۶.

۹ نک: محمد عبدالرحیم، همان، صص ۷-۲۲؛ شوقی عبدالحکیم، همان، ص ۶.

ترتیب نسل‌های هلالیان از جابر و جبیر معرفی می‌شوند.[۱] گفته می‌شود ابوزید از نسل جابر و ذیاب از نسل جبیر است. به طور کلی بنی‌هلال بر اساس سیره هلالیان به سه نسل تقسیم می‌شود: آغاز نسل اول از هلال‌بن‌عامر است که مقارن با ظهور اسلام در سدهٔ اول بوده است و به سَرحان، رَزَق و غانِم ختم می‌شوند. نسل دوم هلالیان به حسن‌بن‌سرحان، ابوزید و ذیاب اختصاص دارد که نام آنان در شمار قهرمانان اصلی این سیره درج شده است. آنان در حد فاصل اواسط سدهٔ چهارم و اواسط سدهٔ پنجم می‌زیستند و مهم‌ترین حلقه سیره بنی‌هلال را، تشکیل می‌دهند. بریقع فرزند سلطان حسن،[۲] الیتامی و علی ابوالهیجات فرزندان نسل دوم به شمار می‌روند، نسل سوم این سیره را در بردارند.[۳] می‌توان حدس زد که وقایع مربوط به این نسل در سده‌های ششم و هفتم هجری صورت گرفته باشد.

در ادامه سیره سرگذشت سفر ابو زید به همراه فرزندانش یحیی و یونس و مرعی پسر حسن‌بن‌سرحان به تونس برای یافتن مکانی مناسب برای قبیله خود، ذکر شده است[۴] و با مطالبی از مبارزه‌های و جنگ‌های هلالیان در یمن و هند پایان می‌پذیرد.[۵]

بخش دوم داستان سیره، در برگیرندهٔ حوادثی دربارهٔ مهاجرت حسن‌بن‌سرحان و ابوزید از سرزمین سرو به نجد به سبب قحطی در آن منطقه است، که به تبع آن دو قبایل آنها بنو درید، قوم حسن، و بنی زحلان، قبیله ابوزید، نیز به نجد کوچ کردند.[۶] در این بخش ازدواج سلطان حسن با جازیه خواهر ذیاب‌بن‌غانم در طول این سفر بیان می‌شود.[۷] علاوه بر این شرح وقایع سفر ابو زید با مرعی فرزند سلطان حسن و یونس و یحیی فرزندان خواهر حسن نیز بیان شده است[۸] که اسیر ملکه سعدی، دختر خلیفه الزناتی، می‌شوند.[۹] سعدی عاشق مرعی شده بود و آن‌ها را در حبس نگه داشت. ابوزید به رغم تلاش‌های بسیار نتوانست آن‌ها را از بند برهاند؛ از این رو تنها به سوی قبیله خود بازگشت و اسباب نارضایتی بسیاری به ویژه ذیاب را

---

۱ نک: محمد عبدالرحیم، همان، صص ۲۲-۴۳؛ شوقی عبدالحکیم، همان، ص ۶.
۲ رحاب عکاوی، همان، ص ۵۲۴.
۳ نک: همان، ۲۲ص.
۴ نک. جمانه کعکی، همان، ص۱۱؛ رحاب عکاوی، همان، ص ۳۶.
۵ شوقی عبدالحکیم، همان، ص ۸؛ عقیل الظاهری، همان، ص۱۴۱؛ محمد عبدالرحیم، همان، ص ۸۹-۹۶.
۶ شوقی عبدالحکیم، همان، ص ۸؛ محمد عبدالرحیم، همان، ص ۷-۴۴.
۷ شوقی عبدالحکیم، همان، ص ۹؛ محمد عبد الرحیم، همان، ص ۸۰.
۸ رحاب عکاوی، همان، ص ۳۶.
۹ همان، صص۵۶-۶۳.

فراهم آورد،[۱] اما این شرایط دیری نپایید و خشکسالی در نجد، سبب اتحاد مجدد نیروهای هلالی با یکدیگر شد و این قبیله برای یافتن چراگاهی جدید و نجات آن سه زندانی، عازم مناطق غربی شدند.[۲]

سومین بخش سیرهٔ هلالیان به سفر مغرب و کوچ آن‌ها به شمال آفریقا اختصاص دارد. بی‌تردید این بخش از سیره از نظر تاریخی کم‌تر رنگ افسانه به خود گرفته و از واقعیت بیش‌تری نسبت به دو بخش پیشین برخوردار است؛ زیرا مورخان اسلامی چون ابن‌خلدون کوچ هلالیان از شبه جزیره به شام و سپس مهاجرت اجباری آن‌ها به مغرب توسط المستنصر فاطمی را ذکر کرده‌اند.[۳] مهم‌ترین رخدادهای سیره در بخش سوم به جنگ‌های هلالیان با بربرها به رهبری خلیفه الزناتی اختصاص دارد.[۴] در تونس آخرین رویارویی آنان با خلیفه الزناتی سرنوشت غیر قابل اجتنابی را برای قبیله رقم زد.[۵] بنی هلال که همیشه با یکدیگر متحد و یکپارچه بودند، در این زمان به شاخه‌های متعددی تقسیم شده بودند و دیگر از آن انسجام و اتحاد قبیله‌ای آنان خبری نبود. آنان وادار به مصالحه با بربرها شده بودند. رقابت های داخلی میان رهبران هلالی مانند ذیاب و ابوزید، عواملی را که شعب قبایل هلالی را در کنار یکدیگر نگه می‌داشت، از میان برد و به تدریج اختلاف و جنگ‌های فرقه‌ای، آنان را نابود کرد.[۶]

## نتیجه‌گیری

سیرهٔ بنی‌هلال که در زمره سیره‌های گروهی عربی محسوب می‌شوند، به دو گونه نثر و شعر و به صورت روایات شفاهی و مکتوب در مناطق مختلفی از جهان اسلام، به ویژه در مصر و

---

۱ نک: جمانه کعکی، همان، ص ۱۴۲ ؛ Dwight F Reynolds, p.87 .

۲ ابوزید به همراه قومش بنی‌زحلان، سلطان حسن به همراه بنی درید و ذیاب‌بن‌غانم با قبیله‌اش زغبه مهاجرت کردند (نک: شوقی عبدالحکیم، همان، ص۱۰؛ جمانه کعکی، همان، ص ۱۴۲؛ Dwight F Reynolds, p.p 86-88).

۳ نک. همین مقاله، ص۳؛ شوقی عبدالحکیم، همان، ص ۱۰.

۴ شوقی عبدالحکیم، همان، ص ۱۸.

۵ نک: جمانه کعکی، همان، صص ۶۶-۲۰۰.

6 Dwight F Reynolds, Ibid, p.88.

مغرب رواج یافت. این سیره نخستین بار به‌وسیله هلالیان بازگو می‌شد و به تدریج به صورت داستان‌های عامیانه در میان مردم دیگر قبایل گسترش یافت و از سدهٔ هفتم هجری به بعد به کتابت درآمد. مکتوب‌های به جای مانده از این سیره با درج نام نویسندگان آن‌ها که غالباً نام آشنا نیستند، در کتابخانهٔ اشتاتس برلین و چند کتابخانه اروپایی نگهداری می‌شود. امروزه کتاب‌های متعددی دربارهٔ سیره بنی‌هلال وجود دارد، که نویسندگان معاصر روایات این سیره را از لا به لای نسخ خطی سیره گردآوری کرده‌اند. در برخی از این کتب روایات مشابه و در برخی دیگر داستان‌های مختلف ذکر شده است که نشان از تعدد روایات و داستان‌های این سیره دارد. با وجود این از بررسی این کتب و روایت این سیره چنین استنتاج می‌شود که موضوعات اصلی در تمامی سیره‌های بنی هلال از سه بخش تشکیل شده است: بخش نخست بیش‌تر به نسب این قبیله و قهرمانان این سیره و مبارزه‌ها و جنگ‌های آن‌ها در یمن و هند هم‌چنین یافتن چراگاه در سرزمین‌های فلسطین، مصر و مغرب اختصاص دارد. در بخش دوم به مهاجرت این قبیله از موطن اصلی خود و شرح رخدادهای پدید آمده برای شخصیت‌های اصلی داستان‌های سیره بنی‌هلال، اشاره می‌شود و بخش پایانی این داستان‌ها به مهاجرت مغرب اختصاص دارد. این بخش از سیره که به تغریبه مشهور است، به بیان شرح احوال هلالیان به ویژه قهرمانان هلالی می‌پردازد.

## منابع و مآخذ


- ابن‌اثیر(۱۳۷۱ش)، *تاریخ بزرگ اسلام و ایران، ترجمهٔ ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی*، تهران: موسسهٔ مطبوعاتی علمی.
- ابن‌حزم(۱۴۰۳ق)، *جمهرة انساب العرب*، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ابن‌خلدون(۱۹۸۸م-۱۴۰۸ق)، *العبر و دیوان المبتدأ و الخبر فی تاریخ العرب و البربر و من عاصرهم من ذوی الشأن الأکبر*، تحقیق خلیل شحادة، بیروت: دارالفکر، طبع الثانی.
- ابن‌خلدون(۱۳۷۵ش)، *مقدمه، ترجمهٔ محمد پروین گنابادی*، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- ابن‌کثیر دمشقی(۱۴۰۷ق)، *البدایة و النهایة*، بیروت: دارالفکر.
- ابن‌هشام[بی‌تا]، *سیرة النبویة، تحقیق مصطفی السقا، ابراهیم الأبیاری و عبدالحفیظ شلبی*، بیروت: دارالمعرفة.
- جمانه کعکی(۲۰۰۳م)، *تغریبة بنی هلال الکبری الشامیة الاصلیة*، بیروت: دارالفکر العربی.
- رحاب عکاوی(۲۰۰۵م)، *فرائد اللال فی سیرة بنی‌هلال*، بیروت: دارالحرف العربی.
- شوقی عبدالحکیم(۱۹۸۳م)، *سیرة بنی‌هلال*، بیروت: دارالتنویر.

- صالحی شامی(۱۴۱۴ق)، *سبل الهدی*، تحقیق عادل احمد و علی محمد معوض، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- طاهر احمد الزاوی(۱۹۷۹م)، *ترتیب القاموس المحیط علی طریقة المصباح المنیر و اساس البلاغة*، بیروت: دارالمعرفة.
- طبری محمدبن‌جریر(۱۹۶۷ق)، *تاریخ الرسل والملوک*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دارالتراث.
- الطریحی(۱۳۶۲ش)، *مجمع البحرین*، مرتضوی.
- الظاهری، ابوعبدالرحمن‌بن‌عقیل و عبدالحلیم‌عویس(۱۹۸۱-۱۴۰۱ق)، *بنوهلال اصحاب التغریبة فی التاریخ و الادب*، *النادی الأدبی*، ریاض: النادی العربی.
- عبدالحمید یونس[بی‌تا]، *«سیرة بنی‌هلال أو قصه ابی‌زیدالهلالی»*، تراث الانسانیة، ج۱.
- عمررضا کحاله(۱۴۱۴ق)، *معجم قبایل العرب*، بیروت: الرساله.
- محمد عبد الرحیم[بی‌تا]، *سیرة بنی هلال*، بیروت: مؤسسة الکتب الثقافیة.

- Heller. B(1960 ), “The Romance of ‘Antar”, *EI2*, Leiden: Brill.
- Dwight F Reynolds(1989),“ Sirat Bani Hilal Introduction and Notes to an Arab Oral Epic Tradition”, Oral Epic tradition, 4/1-2 .
- Edward W. Lane(1978), *An account of the Manners and Customs of the Modern Egyptians*, PRT, London, 1833-35. East- West Publications and Cairo: Livers de France.
- Levi Della Vida. G(1913-1924), “Sira” *EI1*, Leiden: Brill.
- Canard. M(1960), “Dhu l’ Himma or Dhat al Himma”, *EI2*, Leiden: Brill.
- Paret. R(1960), “Sirat Baybarse”, *EI1*, Leiden: Brill.
- Paret. R(1913-1924), “Saif b. Dhi Yazan”, *EI1*, Leiden: Brill.